

از گوشه و کنار

مجوز سقط درمانی به بیش از ۱۹هفتگی داده نمی شود

سقط درمانی با سقط غیرقانونی تفاوت دارد و در عین حال، سوء تفاهم‌هایی بین این دو اصطلاح ایجاد شده است، شاید هم یکی از علل این سوء تفاهم‌ها آمدن کلمه «سقط» در عبارت «سقط درمانی» باشد و به دلیل همین این سوء تفاهم‌هاست که از رسانه‌ها تیرهای استفاده می‌کنند که موجب می‌شود، مخاطب، سقط درمانی را معادل سقط غیرقانونی تلقی کند در حالی که این چنین نیست و سقط درمانی با سقط‌های غیرقانونی تفاوت دارد. به گزارش ایرنا، سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبتنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن موجب حرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز است و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود. متخلفین از اجرای مفاد این قانون به مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد. این قانون مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی دهم خردادماه سال ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی تصویب و در ۲۵ خردادماه همان سال به تأیید شورای نگهبان رسید. آسبه جعفری کارشناس معاینات بالینی سازمان پزشکی قانونی پزشکی قانونی گفت: چنانچه پیش از ۱۹ هفته از سن حاملگی (LMP) بگذرد حتی با وجود اختلالات جنینی موجب حرج مادر، امکان صدور مجوز به هیچ عنوان وجود نخواهد داشت.

«بازگشت ترافیک» به محدوده

طرح جدید کاهش آلودگی هوا

رئیس پلیس راهور تهران بزرگ از «بازگشت ترافیک» به محدوده طرح جدید کاهش آلودگی هوا خبر داد. به گزارش ایسنا، سردار محمد رضا مهناندر در خصوص طرح کنترل آلودگی هوا که از ابتدای تیرماه در شهر تهران در حال اجراست، تصریح کرد: ماه به طور مستمر نتایج مربوط به طرح کاهش آلودگی هوا و چنانچه مشکلی باشد به شهرداری اعلام می‌کنیم تا در جهت رفع آن اقدامات لازم انجام دهند. به گفته سردار مهناندر چنانچه لازم باشد پلیس در خصوص این طرح اقداماتی را انجام دهد، قطعاً انجام خواهد داد. رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ در پاسخ به این پرسش که آیا با اجرای این طرح با کاهش ترافیک مواجه شده‌ایم، تصریح کرد: با اجرای طرح کاهش آلودگی هوا در ابتدای محدوده پیرامونی با افزایش ترافیک و در محدوده داخلی اجرای این طرح با کاهش ترافیک مواجه شدیم، اما آرام‌آرام به حالت قبل خود ترافیک در این محدوده بازمی‌گردد.

اجرای طرح پیشگیری از اعتیاد کارمندان در محیط‌های اداری



معاون توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد بهزیستی استان تهران از اجرای طرح «کیان» به منظور پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های کاری خبر داد. به گزارش ایسنا، فرمانده جواد، با بیان اینکه طرح کیان از اسفندماه سال گذشته کار خود را آغاز کرده است، گفت: این طرح به شکل آزمایشی و در راستای یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های اصلی معاونت پیشگیری و درمان اعتیاد برای پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های اداری است. این طرح در کوتاه‌مدت به کاهش آثار منفی استرس شغلی، افسردگی و یادگیری‌های مهارت‌های زندگی کمک می‌کند. او با بیان اینکه این طرح در محیط‌های اداری برای کارکنان و خانواده‌های آن‌ها برگزار می‌شود، اظهار کرد: هدف، اجرای طرح «کیان» از تقای سلامت روانی در بین کارکنان اداری جهت پیشگیری از اعتیاد است. معاون توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد بهزیستی استان تهران ضمن تشریح جزئیات طرح تصریح کرد: این برنامه شامل آموزش‌های ارتباط مؤثر، مهارت‌های زندگی و مقابله‌ای از جمله تاب‌آوری و ارتباط مؤثر برای کارکنان و خانواده‌های آنان است. در واقع هدف اصلی طرح کنترل و پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های کاری است. جواد اضافه کرد: از برنامه‌های دیگر طرح در بلندمدت، ارتقای سطح سلامت روانی کارکنان، پیشگیری از مصرف مواد مخدر، افزایش بهره‌وری و ارتباط مؤثر، امکان دسترسی و آسان به خدمات حمایتی و مشاوره‌ای به کارکنان و خانواده‌های آنان است.

اگر به دنبال پیشبرد اصولی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی هستیم، باید نقش زنان را در کل اقتصاد به درستی تعریف کنیم و اشتغال زایی برای بانوان باید متناسب با ظرفیت‌های این قشر از جامعه هم از نظر اقتصادی و هم از نظر فرهنگی و مبتنی بر بهره‌وری باشد

خاطر جمع باشند که زن در حرفه‌هایی که به او عرضه می‌شود دستمزد کمتری دریافت می‌کند و مجبور است در درون خانواده همچنان به مرد متکی باشد. او می‌گوید مردان و سرمایه‌داری هر دو از این وضعیت سود می‌برند.

در واقع مناسبات مردسالارانه جاری در جامعه و دولت مردسالار، زنان را به عنوان رقیبی خطرناک بیشتر از هر چیزی به خانه برمی‌گرداند تا آن‌ها را مشغول شغل بی‌چیره و مواجب خانه‌داری کنند. شاید بتوانیم یکی از نمونه‌های عینی این مناسبات مردانه را مخالفت اغلب نمایندگان مرد مجلس دهم با طرح اختصاص یک ششم از لیست‌های انتخاباتی به زنان و تصویب نشدن آن دانست.

متأسفانه در ایران و نظام مردسالار همواره مردان را با ارزش‌تر از زنان می‌شمرند و مردان را نان‌آور اصلی و جای زنان را در خانه می‌دانند. از این رو توده زنان همچنان در جامعه ایرانی در حاشیه مناسبات اجتماعی و سیاسی نگاه داشته می‌شوند و نقش آن‌ها در عرصه‌های اقتصادی نادیده گرفته شده است، گرچه وجود تبعیض در بازار کار موجب کاهش کارایی نیروی فعال و ایجاد محدودیت اشتغال زنان شده است؛ به نظر می‌رسد زنان بیشتر از هر زمان دیگری نمی‌خواهند

تن به سیاست‌های حذف از عرصه عمومی دهند و وضعیت اقتصادی کشور آن‌ها را بیشتر از هر زمانی به بخش‌های غیررسمی بدون هیچ گونه نظارت و حمایتی هدایت کرده است. وضعیت اقتصادی‌ای که زنان کارگر را هم سال‌هاست جزو ارزان‌ترین نیروی کار در ایران قرار داده و بسیاری از آن‌ها بدون حق بیمه، مرخصی و با ساعات کار طولانی و دستمزدی اندک روزگار می‌گذرانند و البته قدرت چانه‌زنی کمتری برای پیگیری مطالبات و حقوق صنفی خود دارند؛ اما باید آگاه بود که جهان در حال تغییر مسیر به شایسته‌سالاری است و بزودی زنان ایران هم جایگاه درست و دقیق خود را در جامعه پیدا می‌کنند.

متناسب با ظرفیت‌های این قشر از جامعه هم از نظر اقتصادی و هم از نظر فرهنگی و مبتنی بر بهره‌وری باشد.

زنان جنس دوم نیستند

با تمام حمایت و تبلیغاتی که دولت از کار و فعالیت‌های بانوان می‌کند، اما اشکال کار از کجاست؟ چه چیزی باعث می‌شود فعالیت‌های زنان در جامعه کند یا محدود شوند؟ سال‌هاست که دیگر پاسخ به این پرسش‌ها چندان هم سخت نیست؛ زنان همچنان در جوامع در حال توسعه‌ای همچون ایران جنس دوم شناخته می‌شوند. در واقع ما در یک جامعه مردسالار زندگی می‌کنیم و تمام تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها از سوی مردان صورت می‌گیرد و تحول در این ابعاد از ضرورت‌های هر برنامه توسعه‌ای است. آرای مخالف نسبت به کار کردن زن‌ها، سیاست‌های استخدامی حذف‌کننده، سیاست‌های محدودکننده در انتخاب شغل و رشته تحصیلی و انتظار ایفای نقش‌های صرفاً زنانه در فضای خانه از عواملی بوده‌اند که زنان را در این سال‌ها به عقب رانده‌اند.

هر چند در سال‌های اخیر موضوع عدالت جنسیتی در برنامه ششم توسعه تصویب شده و حسن روحانی، رئیس‌جمهور در ابلاغیه‌های تمام وزارتخانه‌ها، موسسه‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی را ملزم کرده تا پایان این برنامه نسبت مدیران زن در پست‌های مدیریتی را به ۳۰ درصد افزایش دهند، اما به نظر حرکت در این مسیر مثل همیشه لاک‌پشتی است. گرچه در سال‌های اخیر تعدادی فرماندار، بخشدار، معاون وزیر، معاون شهردار، معاون مدیر کل و... از میان زنان انتخاب شده تا به قول خیلی از مدیران مرد زنان در مدیریت‌های میانی کسب تجربه کنند، اما با حساسی سرانگشتی هم می‌شود به فاصله تبعیض آمیز میان زنان و مردان در تمام

نهادهای دستگاه‌های دولتی و غیردولتی پی برد. تعداد کم و ناسفبار نمایندگان زن مجلس، نداشتن حتی یک وزیر زن، نبودن هیچ زنی در شورای نگهبان و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام و... هم که دیگر جای خود و مهر تأییدی بر عدم به کارگیری زنان در پست‌های کلیدی است.

شایسته‌سالاری به جای مردسالاری

هایدی هارتمن، فمینیست سوسیالیست، سال‌ها پیش گفته بود مردان برای حلال‌سازی زنان از اغلب مشاغل با هم متحد شده‌اند تا



ریحانه جولایی

در تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران اعلام شد از هر چهار زن دانش‌آموخته دانشگاه در ایران حداقل یک نفر بیکار است. نرخ بیکاری زنان فارغ التحصیل دانشگاه ۲۵٫۳ درصد است، در حالی که برای مردان این شاخص ۱۲٫۴ درصد بوده است

اشتغال زنان در کشور رضایت‌بخش نیست و نشان‌دهنده این است که سرمایه‌گذاری به صورت مناسب در اشتغال زنان صورت نگرفته است. اگرچه زنان مهم‌ترین نقش را در پیشبرد بهره‌وری و اقتصاد مقاومتی دارند. اگر به دنبال پیشبرد اصولی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی هستیم، باید نقش زنان را در کل اقتصاد به درستی تعریف کنیم و اشتغال زایی برای بانوان باید

بر اساس آمارهای رسمی مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری زنان دارای مدرک فوق‌لیسانس، دکتر و بالاتر بیشتر از نرخ کلی بیکاری در میان زنان است. طبق آمارهای سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵ نرخ بیکاری زنان دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر با سرعت زیادی از ۱۲ درصد به ۲۶ درصد طی ۹ سال افزایش داشته است. فارغ از اظهارات اینکار، اگر بخواهیم به صورت کلی نگاه کنیم آمار ارائه شده در حوزه

و موجب تسریع توسعه اقتصادی می‌شود، موضوعی که دولت تدبیر و امید به خوبی به آن اشاره داشته است، بحث اشتغال زنان و به کارگیری بانوان در پست‌های مدیریتی مهم است که اختصاص ۳۰ درصد به تصویب دولت رسید و تاکنون اقدامات خوبی در این زمینه انجام شده است. به گفته ابتکار، آمارها نشان می‌دهد همچنان برای رسیدن به وضعیت مطلوب و اختصاص این میزان پست‌های مدیریتی به بانوان فاصله وجود دارد؛ اما رشد ۶۰ درصدی حضور بانوان در استانداری‌ها و رشد ۱۶ درصد آنان در وزارتخانه‌ها اتفاق مبارکی است.

طبق آمار منتشر شده از سازمان برنامه‌بودجه از شاخص‌های سالانه نیروی کار جمعیت فعال زنان در سال ۱۳۹۶، پنج میلیون و ۲۳۲ هزار و ۶۶۱ نفر بود که نسبت به سال قبل از آن ۳۴۰ هزار و ۲۷ نفر به این جمعیت افزوده شده است. مطابق این آمار ۳۱۴ هزار و ۳۴۱ نفر به جمعیت زنان شاغل و ۲۵ هزار و ۶۸۶ نفر به جمعیت بیکار در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. در سال ۱۳۹۵ نرخ بیکاری زنان ۲۰٫۷ درصد بود که در سال بعد (۱۳۹۶) ۹ درصد به ۲۶ درصد و به ۱۹٫۸ درصد رسیده است.

بر اساس آمارهای رسمی مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری زنان دارای مدرک فوق‌لیسانس، دکتر و بالاتر بیشتر از نرخ کلی بیکاری در میان زنان است. طبق آمارهای سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵ نرخ بیکاری زنان دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر با سرعت زیادی از ۱۲ درصد به ۲۶ درصد طی ۹ سال افزایش داشته است. فارغ از اظهارات اینکار، اگر بخواهیم به صورت کلی نگاه کنیم آمار ارائه شده در حوزه

به شغل را ندارند. شکاف‌های عمیق جنسیتی میان زنان و مردان همچنان زنان را عقب‌تر از مردان نگه داشته و بر نرخ بیکاری زنان چند برابر بیشتر از نرخ بیکاری مردان دامن زده است. گرچه نرخ رشد اشتغال زنان بعد از انقلاب روند مثبتی یافته است و می‌توان به افزایش نسبت زنان شاغل در کل شغلان کشور از ۸/۹ درصد (سال ۱۳۶۵) به ۱۲/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ اشاره کرد، اما آمارهای هر ساله نشان می‌دهند که زنان همچنان در عرصه اقتصادی در پشت مردان حرکت می‌کنند. زنان به واسطه تحصیلات عالی، به دست آوردن برخی رده‌های مدیریتی میانی و کاهش نرخ بی‌سوادی؛ گام‌های بلندی را برای پیشرفت بعد از انقلاب برداشتنند اما باید اعتراف کرد که هنوز در جامعه ایران مردان حرف اول را می‌زنند و این واقعیت برای جوانان و تحصیل‌کردگان بیشتر ملموس است.

ورود زنان به بازار کار غیررسمی

چند سال پیش بود که معصومه ابتکار، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری هم از افزایش رشد بیکاری زنان انتقاد کرده بود. او که وعده داده بود باید برای بیکاری زنان راهکاری اساسی صورت داده شود، گفته بود: «در حال حاضر تعداد زنان تحصیل کرده بیکار در کشور سه برابر تعداد آقایان است که باید برای اشتغال آن‌ها اقدامات جدی انجام داد.» ابتکار همچنین به این موضوع اشاره کرده بود که به واسطه نبود شغل و نیاز زنان به درآمد ماهیانه برخی از بانوان به کارهای غیررسمی با حقوق بسیار ناچیز روی آورده‌اند و این آمارها نشان می‌دهد که اشتغال غیررسمی بانوان رو به افزایش است. از آنجاکه اشتغال زنان یکی از عوامل توسعه یافتگی جوامع است

درست است که همیشه حرف از حقوق برابر زنان و مردان به میان می‌آید، اما در عمل این گونه نیست. باید زن باشی و در جامعه زندگی کرده باشی تا درک کنی از چه چیزی صحبت می‌کنم. پیشرفت زنان در ایران با موانع جدی روبه‌رو است و از هر سمت به آن ضربه وارد می‌شود. عقب‌نگاه داشتن زنان و نگاه داشتن زنان در کنج خانه و هر روز تبلیغات و سخنرانی‌ها به ویژه از سمت زنان که کار زن ماندن در خانه و فرزندآوری و سپس تربیت فرزندان است. از سویی دیگر بی‌ارزش‌نشان دادن خانه‌داری از نشانه‌های سیاست‌های غلط اقتصادی و توجه نکردن به پیشرفت زنان برای ساختن جامعه‌ای برابر به حساب می‌آید.

به ازای چهار مرد تنها یک زن در اقتصاد مشارکت دارد

چند روز پیش بود که تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران اعلام شد از هر چهار زن دانش‌آموخته دانشگاه در ایران حداقل یک نفر بیکار است. به طوری که نرخ بیکاری زنان فارغ‌التحصیل دانشگاه ۲۵٫۳ درصد است در حالی که برای مردان این شاخص ۱۲٫۴ درصد بوده است. آن طور که در گزارش مرکز آمار ایران از نرخ اشتغال در بهار امسال آمده، به ازای هر چهار مرد تنها یک زن در اقتصاد مشارکت دارد.

هر سال شاهد انتشار چنین گزارش‌هایی از سوی مرکز آمار هستیم و هر چند در مقاطعی نرخ مشارکت اقتصادی زنان دانش‌آموخته در ایران رشد داشته، اما اغلب زنان در مقایسه با مردان بخت دستیابی

یادداشت

با تداوم طرح ساماندهی شاهد خواهیم بود

رانده شدن کودکان کار خیابان به کارگاه‌های زیرزمینی

سام بوربور، فعال حقوق کودک

مرثیه تکراری این سال‌های ما و حکایت آب درهاون کوبیدن مسئولان همچنان ادامه دارد. کودکان کار خیابان تحت عنوان طرح ساماندهی در چهارراه دستگیر و به مراکز نگهداری شبانه‌روزی بهزیستی منتقل می‌شوند. از مجریان این طرح که با عنوان ساماندهی کودکان کار اقدام به انتقال کودکان به مراکز بهزیستی می‌کنند باید پرسید نتیجه اجرای بیش از ۳۰ مرتبه این طرح چه بوده است و اگر اجرای آن نتیجه مثبتی داشته، چرا کودکان همچنان مشغول به کار هستند؟ بهزیستی توان پذیرش کودکان بی سرپرست را ندارد. مراکزش به شکل غیراستاندارد از مددجویان قبلی پذیرایی می‌کند. چطور قرار است کودکان

کار خیابان را پذیرش کند. در پاسخ به اینکه «چه کنیم، بگذاریم کودکان در خیابان بمانند؟»، هم باید گفت تازوی که خانواده با فقر روبه‌رو است و بیکاری مسئله‌ای را غیر در کشور است، خانواده اولین کالای قابل عرضه و درآمدزا را به بازار عرضه خواهد کرد و آن کالا چیزی جز نیروی کار ارزان قیمت کودک نیست که آن هم در رقابت با نیروی کار پدر و مادر پیروز شده و تنهاراه نجات خانواده از گرسنه ماندن است. در چنین شرایطی خانواده از ترس، محل کار کودک را تغییر خواهد داد و به محلی غیر از خیابان خواهد برد. در کارگاه‌های زیرزمینی خبری از آزادی‌های اولیه کار در خیابان نیست، ساعت کار مشخصی برای کودک وجود ندارد، بیش از خیابان تحت فشار و در معرض تجاوز و آسیب‌های دیگر است؛ اما میلمان شهری بر هم نمی‌خورد و به‌مرور می‌شود همچون

طرح بی‌فایده کنند. پاراچنار فراتر از مرزهای انسانیت قرار دهند که در مورد کودکان بی‌دفاعی که تنها گناهشان فقر است و از سر ناچاری به خیابان‌های آیندا واژه «جمع‌آوری» استفاده کنند.

مسئله مورد ادعای بعدی، وجود باندهای استثمار کودکان است که همواره یکی از دلایل توجیه اجرای طرح بوده. در پاسخ به آن باید گفت که چنانچه کودکی، تحت پوشش یک بانده به کار گرفته شود قربانی مضاعف است در سال‌های اخیر ما باندهای جز باندهای پیمانکاران طرف قرارداد با شهرداری ندیدیم که به‌رغم تذکر دائمی همیشگی فعالان حقوق کودک هیچ تغییری در وضعیت کودکان تحت‌بهره‌کشی در این باندها صورت نگرفته و همچنان مشغول جمع‌آوری زباله، ضایعات و کارهای عمرانی هستند و دستگیر هم نمی‌شوند. گفتنی است که مجریان طرح با فراقتنی، شناسایی و دستگیری و انحلال چنین باندهایی (فرض بر وجود) راه‌ها کرده‌اند و کودکان کار شاغل در خیابان را دستگیر می‌کنند. اقدامات پلیسی و امنیتی، باندوسر کرده‌هایش را راه‌ها کرده و شامل حال کودک بی‌دفاع می‌شود.

